ده بکری

پیش گفتار

درپائیز سال ۱۳٤۷ نگارنده برای اولین بار به همراهی گروه پژوهشی دشت لوت از منطقه ده‌بکری[1]* دیدن نمود و کلیات طبیعی و انسانی منطقه را مورد مطالعه قرار داد. در تابستان سال ۱۳۵۲ به اتفاق دانشجوی ممتاز خود آقای حسین مازاراتابکی که اهل بم بود برای دومین بار به منطقه رفت واین بار مسائل منطقه‌ای را با دیدی دقیقتر بررسی نمود. مطالبی که به‌نظر خوانندگان ارجمند می‌رسد حاصل این دو سفر پژوهشی است.

ظهر روز ۵۲/٤/۲۰ از بم به سمت ده بکری حرکت می‌نماییم. دراین طی‌طریق از دهات خواجه عسکر، دارزین ودامنه می‌گذریم. همچنانکه به‌ده‌بکری نزدیک می‌شویم پوشش نباتی متراکمتر می‌شود وبوته‌ها فاصله کمتری ازهم می‌گیرند. این بوته‌ها براثر شدت تابش نورآفتاب قهوه‌ای رنگ وسوخته هستند وبه پاره از آنها سگ‌دندان گفته می‌شود. درخود کوهستان بوته‌های سبز معطری

---

۱ - در زمان فعلی تمام دهاتی راکه دهستان دامنه وبه زعم پاره‌ای دهستان مرغک دربر می‌گیرد ده‌بکری گویند. البته لازم به تذکر است که در محل از منطقه مرغک جداگانه به‌نام دهات مرغک نامبرده می‌شود. ولی از جهت تشابهی که در جنبه‌های طبیعی بین دهات دهستان‌های دامنه‌ومرغک به‌چشم‌می خورد منطقی به‌نظر می‌رسد که باید دهات منطقه مرغک را نیز در منطقه ده‌بکری شامل نماییم چنانکه مرکز آمارکل کشور نیز در فرهنگ آبادیها تعدادی از دهات منطقه‌ده‌بکری را در زمرهٔ دهستان مرغک وارد نموده است.

وجه تسمیه ده‌بکری این‌است که سابقاً این منطقه دهات‌متعدد شش‌دانگی‌را که فقط به زنی به‌اسم بکری متعلق بوده است در بر می‌گرفته واز اینجاست که اسم ده‌بکری مشتق شده است.

به‌نام‌درمون یادرمونه دیده می‌شود که مصارف طبی دارد واکثراً برای درمان دل‌درد از آن استفاده می‌کنند. هوا به‌طرز محسوسی خنکتر می‌شود واحساس رهایی مطبوعی ازگرمای شاق جلگه بم دست می‌دهد. درمسیر بم به ده بکری به چندین گله برمی‌خوریم که بیشتر بز هستند. این گله‌ها یا به‌ایل‌های مجاور تعلق دارند ویا به دهات واقع در مسیر. درطی مسیر بم به‌ده بکری در سمت‌راست جاده تعداد زیادی گل‌خرزهره به‌چشم می‌خورد که زهرکشنده‌ای دارد. در این مسیر دو ایل به نام‌های مجاز ومسافری وجود دارند که در زمستان وتابستان در سیاه چادر بسرمی‌برند وبا مردم شهر درنمی‌آمیزند. ایل‌های مجاز ومسافری هردو ریشه بلوچ دارند. منطقه ییلاقی ایل مجاز از دامنه رودخانه فش‌کوه (چله‌خانه)[1]*تا دامنه میرزایی وگور وساردوئیه یعنی مسافتی‌در حدود ۹۰ کیلومتر وقشلاق این ایل تا نزدیکی‌های نرماشیر ودامنه کوه‌های کبودی درشمال بم است. ییلاق ایل مسافری‌درگور وساردوئیه وقشلاق‌این ایل‌درنرماشیر است. وجه تمایزی که بین این دوایل قابل ذکر است اینکه مجازیها خصوصیات نژادی خودراحفظ کرده وبا مظاهر شهری رابطه ندارند درحالی که‌ایل مسافری‌حد واسط بین نرماشیری ومجاز است واین ایل بیشتر در دسترس شهری‌ها بوده وتمدن آنهارا گرفته است. مردان ایل‌های مجاز ومسافری جهت تهیه آذوقه از جمله خرمای کشیت‌به‌شهر می‌روند وبا مبادله کالا به رفع نیازمندی‌های خویش‌می‌پردازند. بدین‌صورت که مثلا بز یاروغن، کشک، وکرك می‌دهند ودر مقابل گندم، جو، قند وچای می‌گیرند. مسافری‌ها تعدادی درخت خرما درکشیت دارند. از نظر سنت‌ها این دوایل شباهت بسیار به یکدیگر دارند واخیراً این دو ایل‌شناسنامه گرفته‌اند وعقد و ازدواج آنها به ثبت می‌رسد.

---

۱ ـ بنا به اظهار شادروان شیخ علیخان بهزادی از مالکان آگاه وروشن بین محل، در دامنه این رود غاری وجود داشته است وعارفی به‌نام طاهرالدین در این غار ریاضت می‌کشیده ودر اصطلاح چله می‌نشسته ویا چله‌نشین بوده است.

سرانجام به منطقه زیبای ده بکری می‌رسیم. همه‌جا درختان بید، تبریزی وصنوبر به‌چشم می‌خورد.(عکس‌های شماره ۱، ۲ و۳). این درختان ده‌پانزده‌ساله هستند وبه زیبایی منطقه جلوه خاصی بخشیده‌اند. جاده‌ها همه‌جا خاکی است وبه‌طورکلی‌در تمام دهات منطقه ده‌بکری اتحاد شکل وتجانس قابل ملاحظه‌ای به‌چشم‌می‌خورد که از اصالت منطقه حکایت دارد. در ده بکری گله‌داری فعالیت عمده است.

آب اکثراً از چشمه‌سارها تأمین می‌شود وتمام دهات ده بکری دارای‌قنات‌ها وچشمه‌سارهای انحصاری می‌باشند.

شناسایی محل :

ناحیه کوهستانی‌ده بکری درجنوب غربی وغرب واحه‌های‌بم و نرماشیرواقع است (به شکل شماره ۱ پراکندگی جغرافیایی محصولات کشاورزی در واحه‌های بم و نرماشیر مراجعه شود) . در اینجا به علت طبیعت کوهستانی منطقه شرایط آب وهوایی معتدلتر وملایمتری نسبت به دشت بم ونرماشیر غلبه دارد. اطلاعات آب وهوایی‌ما خاطرنشان‌می‌سازد که تابستان‌های این قسمت‌مطبوع ترین و ملایمترین تابستان‌هایی هستند که در سراسر این حوضه ملاحظه می‌شود واز این لحاظ ده بکری شهرت خاصی دارد. اهالی بم ونرماشیر برای فرار از گرمای شدید جلگه به ویژه جمعه‌ها به ده بکری می‌آیند. بدین‌ترتیب این‌منطقه کوهستانی‌در تابستان به‌صورت زنده‌ترین وپرجنب‌و جوش‌ترین منطقه حوضه و در زمستان به صورت مرده‌ترین منطقه حوضه جلوه‌گر می‌شود . دراینجا حداقل مطلق درجه حرارت ۱۲- °C وحداکثر مطلق‌به ۳۷ °C می‌رسد درحالی که‌حداقل مطلق‌درجه‌حرارت‌در دشت بم ونرماشیر ۷/۵- °C وحداکثر مطلق ۵۲ °C می‌باشد. خصوصیات آب وهوایی آثار خودرا درمظاهر زندگی کشاورزی منعکس می‌سازد . (جهت آمار و اطلاعات آب وهوایی بیشتر به صفحات ۶-۴ مراجعه شود).

بدین ترتیب خشکی منطقه به طرف ناحیه کوهستانی در غرب تخفیف یافته و به طرف منطقه بیابانی در شرق تشدید می‌شود واین امر اثرات خودرا درمنابع آب، پوشش گیاهی، طبیعت خاك، نوع محصول، فعالیت‌های کشاورزی و غیره ظاهر می‌نماید.

شهرستان بم شامل سه بخش می گردد که از غرب به شرق عبارتند از: راین، حومه ونرماشیر. بخش راین قسمتی از منطقه ناهموار ده بکری (مرغک)را دربر می گیرد (شکل شماره ۱). بخش اخیر به شش دهستان تقسیم می‌شود بدینقرار: مرغک، تهرود وابارق، حسین‌آباد، حومه‌راین، راین‌وگزك. دهستان‌های دامنه و آبگرم واقع در بخش حومه همچنین در داخل منطقه کوهستانی جنوب غربی واقع می‌شوند. به این ترتیب دهات دهستان‌های دامنه ومرغک که بر رویهم منطقه ده بکری‌را به‌وجود می‌آورند به ترتیب در بخش‌های حومه وراین واقع‌اند[1]*.

بر طبق آخرین سرشماری آبان‌ماه ۱۳۴۵، جمعیت شهرستان بم ۹۱۴۲۳ نفرکه ازاین تعداد ۸۸۵۰۰ نفر مستقر و ۲۹۲۳ نفر بقیه متحرک هستند. جمعیت منطقه کوهستانی[2] * فقط ۱۵۰۳۱ نفر است که ۱۶/۴ ٪ جمعیت کل شهرستان را دربر می گیرد. جمعیت ده بکری قریب ۵۰۰۰ نفر ویا حدود ۵٪ ازکل جمعیت شهرستان است. بم تنها شهر شهرستان وتنها مرکز اداری‌آن محسوب می‌شود وجمعیت آن ۲۱۸۸۴ نفر می‌باشد. به این ترتیب ۲۳/۹٪ کل جمعیت شهرستان، شهرنشین و ۷۶/۱٪ روستایی است (این درصدها جمعیت متحرك‌را نیز شامل می‌شود).

---

۱ ـ جمع دهستان‌های بروات، خواجه عسکر، آبگرم، دامنه ومرغک در محل به‌نام دهستان‌های حومه شهر خوانده می‌شوند وبنابراین منطقه ده‌بکری که به جمع دهات واقع در دهستان‌های دامنه ومرغک‌گفته می‌شود جزء منطقه حومه شهر به حساب می‌آید.

۲ ـ این منطقه شامل شش دهستان واقع در بخش راین وهمچنین دهستان‌های دامنه و آبگرم می‌گردد (شکل شماره ۱).

عکس شماره ۱ ــ درختان صنوبر ــ ده باغ ، ده بکری

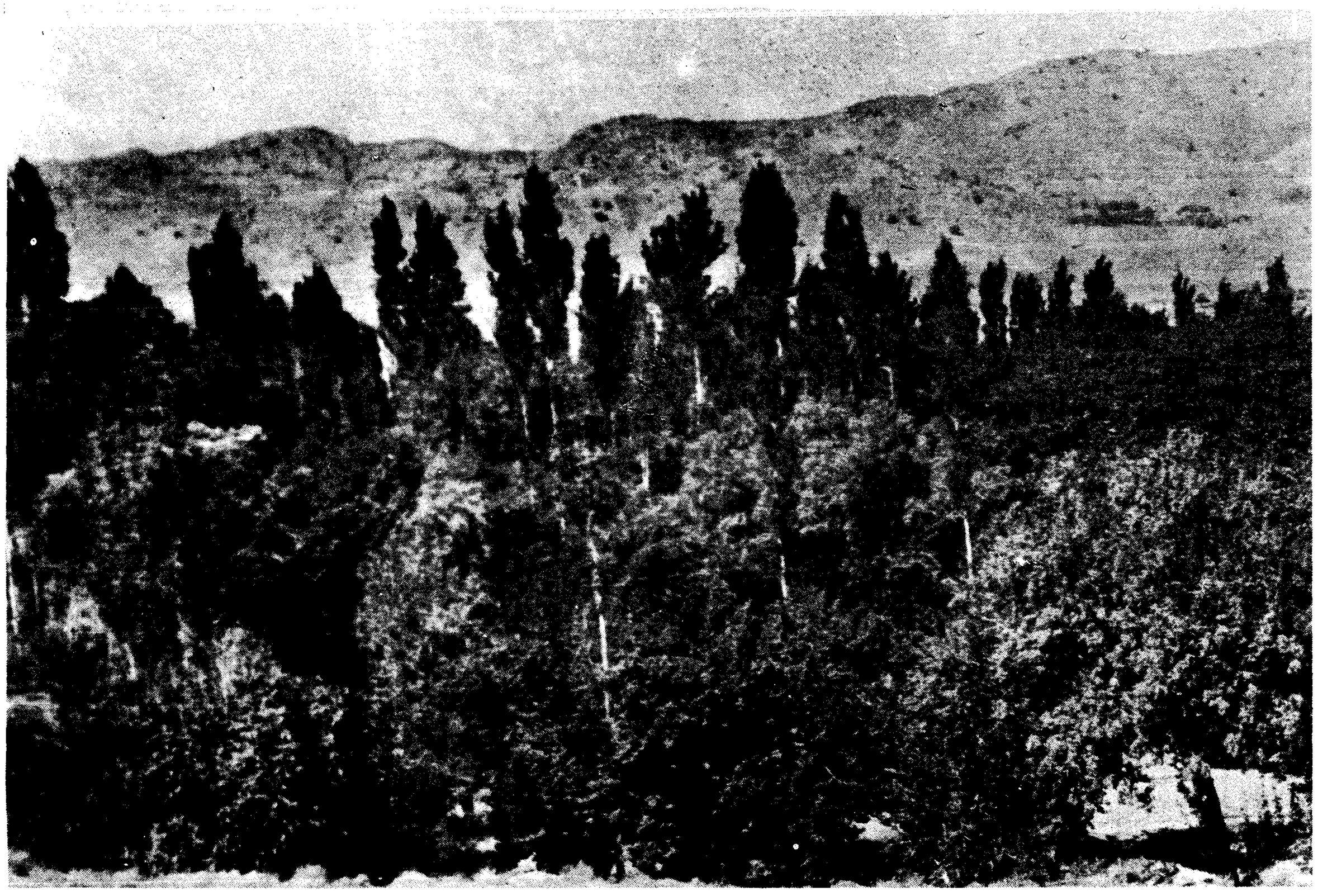

عکس شماره ۲ ــ ده بکری برفراز تپه ده‌کهن سیــر

عکس شماره ۳ــ۱۰ بکرن برفراز دره کهن سیمر

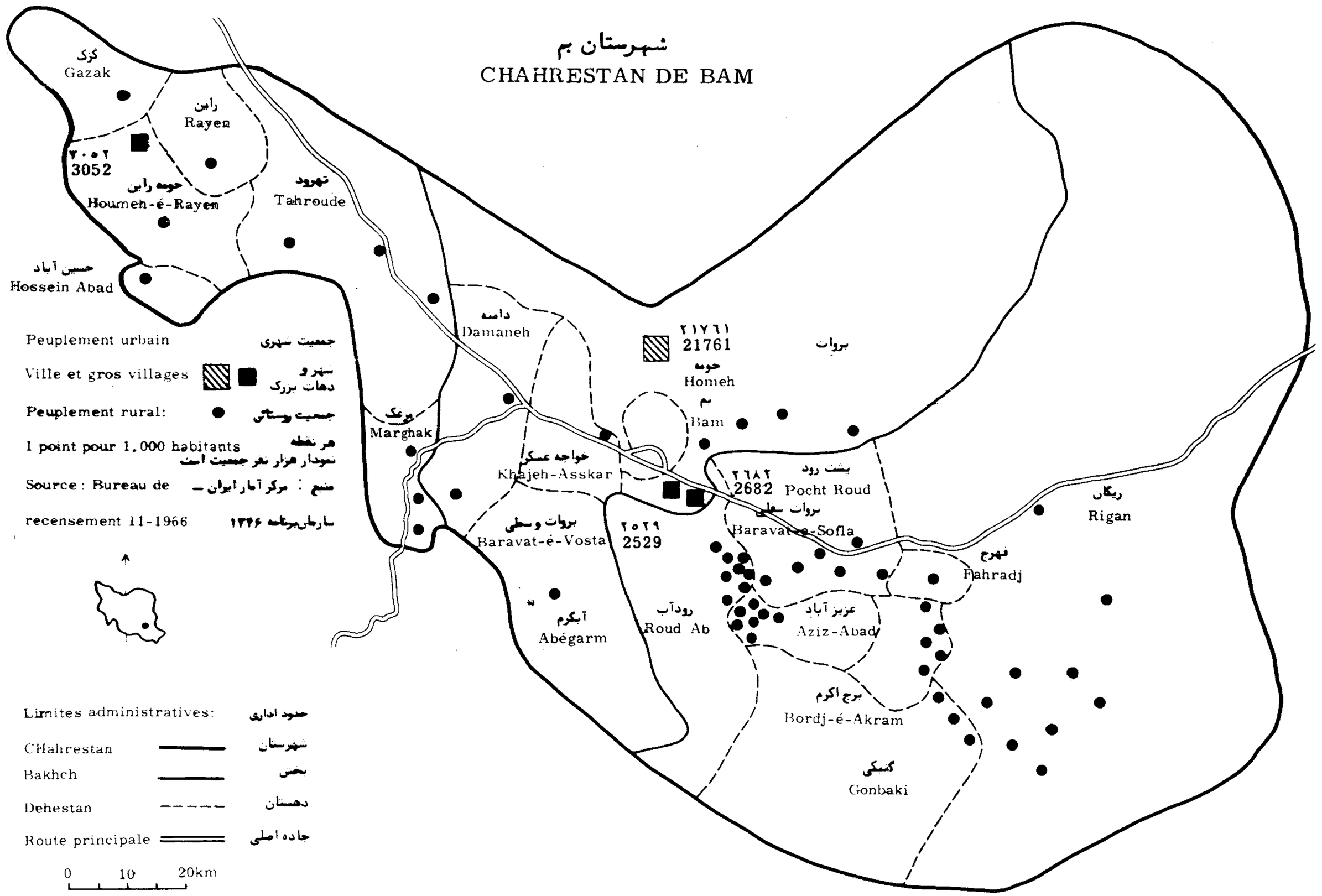

Figure-1 نقشه شماره ۱

مطابق آمارگیری سال ۱۳٤٥ درشهرستان بم ۱۸٤۱۹ خانوار منفرد که تعدادآنها جمعاً به ۸۸٤۳۰ نفر وسه خانوار دسته‌جمعی که تعدادآنها به ۷۰ نفر بالغ می‌شود وجود دارد. درشهر بم ٤۱۲۸ خانوار منفرد وجود دارد که جمعاً ۲۱٦۹۱ نفر را دربر می‌گیرد. به این ترتیب به‌طور متوسط هرخانوار منفرد در شهرستان بم شامل ٤/۸ نفر ودر شهر بم شامل ٥/۸ نفر است. درشهرستان بم با درنظرگرفتن جمعیت مستقر وثابت ۱۰۲/٤ نفر مرد برای هر ۱۰۰ نفر زن وجود دارد. میانگین سن ۲۱/۲ سال است. افراد کمتر از ۱۰ ساله ۳٦/۱٪ وکمتر از ۲۰ ساله ٥۷/۷٪ جمعیت‌را تشکیل می‌دهند.

طبق آخرین سرشماری عمومی آبانماه ۲٥۳٥ درشهرستان بم ۲۳۲۰۹ خانوار که تعداد آنها جمعاً به ۱۱۳۳۲۱ نفر بالغ می‌شود وجود دارد. درشهر بم ٦۰۸۲ خانوار وجود دارد که‌جمعاً ۳۰٤٤۲ نفررا دربر می‌گیرد. به‌این ترتیب ظرف‌یک دوره ده ساله (۱۳٤٥-٥٥) شهرستان بم افزایش جمعیتی برابر ۲۱۸۹۸ نفر و شهر بم افزایش جمعیتی برابر ۸۷٥۱ نفر داشته‌است. به عبارت دیگر به طور متوسط سالیانه ۲۱۸۹/۸ نفر به‌جمعیت شهرستان بم و ۸۷٥/۱ نفر به جمعیت شهر بم‌افزوده شده است که‌به‌ترتیب ضرایب‌افزایشی جمعیتی‌در حدود ۲/۱۸٪ رابرای شهرستان بم و ۰۸۷٪ را برای شهر بم خاطر نشان می‌سازد. بادرنظرگرفتن‌نتایج سرشماری جدید ۷۳/۲٪ جمعیت شهرستان بم روستانشین و۲٦٫۸٪ بقیه شهرنشین هستند که در شهر بم سکونت دارند. به طور متوسط هرخانوار درشهرستان بم شامل ٤ نفر ودرشهر بم‌شامل ٥ نفر است. درشهرستان‌بم حدود ۰٫۲٪ جمعیت‌زن و ٤۹٫۸٪ مرد ودر شهر بم ٤۹٫۹٪ جمعیت‌زن و ٥۰/۱٪ جمعیت مرد است.

زبان رسمی فارسی است که با خصوصیات محلی تکلم می‌گردد. زبان‌بلوچی گاهی به وسیله‌اهالی ریگان وفهرج تکلم می‌شود. ۹۹٫۷٪ جمعیت شهرستان مسلمان است. درحدود ۱٥٦ نفر زرتشتی که ۰٫۲٪ جمعیت‌را تشکیل می‌دهند وجود دارند که اکثراً درشهر بم زندگی می‌کنند. ۰٫۱٪ بقیه به‌اقلیت‌های مذهبی

گوناگون تعلق دارد. میزان درصد باسوادی از سن ۷ به بالا ۸ر۲٤٪ است و رقم مربوط برای مردان ٦ر۳۳٪ وبرای زنان ۸ر۱۵٪ است. درشهر بم این رقم برای تمامی جمعیت ٤۵٪(٤ر٥٤٪ برای مردان و ۵/۳۵٪ برای زنان). آمار مربوط به مذهب و درصد باسوادی تنها مربوط به آمارگیری سال ۱۳٤۵ می‌باشد و آخرین نتایج منتشره سرشماری عمومی آبانماه ۲۵۳۵ فعلا اطلاعات جدیدی دراین خصوص دراختیار ما قرارنمی‌دهد.

جمعیت نسبی طبق آمار جمعیتی ۱۳٤۵ در شهرستان بم ۷ر٤ نفر در کیلومتر مربع ودر حوضه بم ونرماشیر ٦ر۳نفر است. این ارقام تراکم نسبی با درنظر گرفتن نتایج سرشماری عمومی آبان‌ماه ۲۵۳۵ به ترتیب عبارتند از: ۸ر۵ و ۵ر٤ نفر درکیلومتر مربع. ولی رقم جمعیت نسبی نمی‌تواند چگونگی پراکندگی جمعیت را دراین منطقه آشکار سازد. با مطالعه نقشه تراکم جمعیت (شکل شماره ۱) ملاحظه می‌کنیم که جمعیت به‌یک نسبت دراین حوضه پخش نشده است. درحقیقت می‌توان گفت که عوامل طبیعی وسیاسی و اقتصادی در توجیه پراکندگی جمعیت نقش مؤثری دارند. مناطق شمال، شمال شرقی ومشرق واحه‌های بم ونرماشیر درحاشیه لوت قرار دارند وازاین رو خطر خشکی وپیشرفت بیابان در قلمرو انسان درآنجا ظاهر است وتراکم جمعیتی کم را توجیه می‌نمایند. نواحی کوهستانی ده‌بکری وراین می‌تواند به صورت منطقه حدواسط بین قسمت‌های بسیار کم جمعیت شمال، شمال شرقی ومشرق (واحه‌های بم ونرماشیر) وقسمت‌های پر جمعیت اطراف شهر بم ودشت نرماشیر در نظر گرفته شود. وسعت زمین‌های زیرکشت در منطقه کوهستانی به‌مراتب کمتر از نواحی دیگر واحه‌های بم ونرماشیر است واین امر برپایهٔ موانع کوهستانی که امتداد زمین‌های کشاورزی را محدود می‌نماید قابل توجیه است. این موانع کوهستانی به نوبه‌خود روش پراکندگی جمعیت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تمرکز جمعیت دراطراف شهر بم براثر علل سیاسی وتجاری (بازار فروش محصولات) ونظایر آن قابل توجیه است. در قسمت‌های جنوب و

جنوب‌شرقی نرماشیر که تنها رودخانه دائمی منطقه (نسا) جریان دارد و بهترین قنوات وچاه‌ها وزمین های کشاورزی وجود دارد بیشترین تراکم جمعیتی به چشم می‌خورد

منابع آب :

درمنطقه کوهستانی زمین های زراعتی به‌وسیله چشمه‌سارها، قنوات و رودخانه های موقتی مشروب می‌شود. دامنه های جنوب غربی کوه‌های کرمان ودامنه های شمالی کوه هزاران، کوه راین و کوه ده بکری درامتداد جبال بارز حوضه آبگیر مسیل هایی است که در دوشعبه جداگانه درحوالی آبادی سروستان به هم می‌پیوندد وبه اسم تهرود از شمال شهربم می گذرد (شکل شماره ۱)[1]*. این تنها رود دائمی منطقه است که ۲۸ ده را درامتداد بستر خود مشروب می‌نماید. ولی میزان آب آن کم است وبه همین جهت بعد از هر نهر انحرافی (بند) بستر تهرود خشک است، ولی بعد از مسافتی مجدداً چشمه‌سارهایی در بستر ظاهر شده وجویبار کوچکی دریکی از مسیل ها جریان می یابد. دهاتی که به وسیله تهرود مشروب می‌شوند حق‌آبه معین ومشخصی ندارند وتوزیع آب این رودخانه طبق رسوم ونیازمندیهای محلی انجام می‌شود. به‌این ترتیب که ابتدا دهاتی که در بالای رود قرار دارند آب می گیرند وسپس روستاهایی که در پایین آن واقعند از آبهای باقی‌مانده رود (بقیة‌الشرب) برخوردار می‌شوند. تمام دهاتی که به وسیله تهرود مشروب می‌شوند دارای بندهایی هستند که آب را به‌داخل ده مربوط هدایت می کند. درفصول بارانی زمستان وبهار فاضل آب‌های تهرود از شمال شهر بم عبور می کند واسم آن عوض شده به‌نام های رود بم یا رود ارك یا رود قلعه یا رود پشت نامیده می‌شود. آنگاه آب‌های آن به‌صورت مسیل های متعددی درلوت زنگی احمد فرو می‌رود (شکل شماره ۱).

---

۱ - برای ترسیم شبکه آبهای حوضه بم ونرماشیر از نقشه حوضه آبگیرلوت تهیه شده در موسسه جغرافیای دانشگاه تهران منضم به نشریه شماره ۳ گزارش های جغرافیایی نگارش آقایان پرویز کردوانی وفرج‌الله محمودی مردادماه ۱۳۴۹ استفاده شده است. نگارنده همچنین صحت اطلاعات مربوط به شبکه آبهای حوضه بم ونرماشیر را در محل کنترل نموده است.

لازم به تذکر است که در اینجا منظور از شکل شماره ۱ - شکل شماره ۱ از مطلب اول این مجموعه است.

آب‌برها ومسیل های دامنه جنوب غربی کوه راین ودامنه شمالی کوه‌هزاران متوجه دره راین‌شده وبه‌صورت همگرا در حوالی راین به‌هم می‌رسند. بستراین رود از راین به‌سمت مشرق وجنوب شرقی پهن وآبرفتی است ومسیل های موازی دامنه جنوب غربی کوه قبله (درمغرب گوك) نرسیده به ابارق به‌آن ختم می‌شوند.

درجنوب این حوضه دامنه‌های شمال شرقی کوه هزاران و کوه پایین و کوه ده‌بکری حوضه آبگیر شعبه دیگری‌از تهرود است که با شاخه‌های متعدد در دره گود بین کوه هزاران و کوه پایین متمرکز می‌شود ودر جهت شمال شرقی از ارتفاعات آذرین خارج شده موازی با شعبه راین به ابارق نزدیک می‌شود. این‌دو شعبه درحوالی سروستان به‌هم‌رسیده ودربستر آبرفتی درهم ونامنظمی تا شهر بم ادامه دارد.

در شمال جاده کرمان ـبم کوه خانه خاتون ودامنه جنوبی ارتفاعات آذرین شمال بم حوضه آبگیر مسیل‌های دیگری است که به‌طور درهم و واگرا در طول چندین کیلومتر از دارزین تا حاجی‌عسکر، به تهرود ختم می‌شوند. وضع مسیل‌ها وآب‌برهای‌حوضه جنوب تهرود بسیار نامنظم‌تر است و در سراسر دشت همه جا آثار سیلاب‌های قدیم وجدید مشاهده می‌شود. تمام این مسیل‌ها از دامنه‌های شمالی وشرقی کوه کپی ودامنه شمالی جبال‌بارز سرچشمه‌می گیرند و به‌طور متقاطع به بستر تهرود می‌رسند.

مهمترین شعبه تهرود رود ده بکری‌است که از ارتفاعات فاش کوه، جبال بارزوکوه ده بکری سرچشمه گرفته و دره‌های‌آبرفتی‌پهنی بین این کوه‌ها حفر کرده است. قسمت بیشتری از این مسیل‌ها به‌طور مستقیم‌در مغرب شهر بم به تهرود می‌رسد. اماآب‌برهای شرقی‌آن باتوجه به شیب پایکوه ابتدا متوجه شهر بم‌شده وسپس در جنوب غربی‌آن با پیمودن قوسی به جنوب شرقی منحرف می‌شوند و به مسیل عزیزآباد ـ فهرج ختم می گردند.

تمام دهاتی که به وسیله رود ده بکری مشروب می‌شوند دارای حق آبه

ثبت شده هستند و حق آبه هـرده متناسب است با وسعت زمین‌هـایی کـه آن ده داراست. ولی همچنانکه‌برای تهرود تشریح گردید دهاتی که در بستر علیای‌رود قرار دارند نسبت به دهات واقع در بستر سفلی دارای امتیاز می‌باشند زیرا که‌دهات اخیر عملاًفقط از بقیةالشرب‌رود مربوط استفاده می کنند. کلیه دهاتی که به وسیله رود ده بکری مشروب‌می‌شوند به‌مانند تهرود دارای بندهایی‌هستند که آب رود را به‌داخل ده مربوط هدایت می کند.

رودخانه‌های موقت این منطقه عبارتند از : جزین، مرغک ودلیجان کـه ازبرف قلل جبال بارز سرچشمه می گیرند. تمام این رودخانه‌ها شعبات رودارك یا بم می‌باشند.

طول قنوات در منطقه کوهستانی‌عموماً کم ودر حدود ۱۰۰ متر الی ۱۵ کیلومتر است. میزان آبدهی قنوات این منطقه‌به‌مراتب کمتر از قنواتی است که که در منطقه نرماشیر واقعند. علت کمبود آب این‌قنوات سختی اراضی است چنانکه مقنی‌ها در عملیات حفر چاه دراین مناطق با دشواری بسیار روبرو هستند. دردهات منطقه ده بکری آب قسمت اعظم قنوات وارد حوضچه یا استخری شده وپس‌ازآنکه بر رویهم انباشته شد راه آب را باز می کنند وآب‌را به وسیله نهرهای کوچکی به مزارع وباغها هدایت می‌نمایند (عکس شماره٤). این تکنیک که به منظور صرفه‌جویی دراستفاده از آب مورد استفاده قرار می گیرد فقط دراین منطقه معمول است و استثنائاً ممکن است در منطقه نرماشیر که حجم‌آب تأمین شده به‌وسیله قنوات قابل توجه است ملاحظه شود. درمنطقه کوهستانی چاه‌هایی به عمق ۸۰ تا ۹۰متر (قریه دارزین در۲۸ کیلومتری غرب بم برای مثال) حفر شده ولی بـه آب نرسیده‌اند ودر نتیجه مالک یا مالکان مربوط عملیات حفر چاه‌را ترك نموده‌اند. درنقاطی که امکان حفر چاه وجود داشته، مثل‌آبادی سروستان چاه‌های عمیق حفر گردیده است. عدم موفقیت در عملیات حفر چاه در منطقه کوهستانی با توجه به علل زیر قابل توجیه است :

۱- وجود موانع کوهستانی ودر نتیجه سختی اراضی؛

۲- عمق سفره‌آب که به‌مراتب بیشتر از منطقه نرماشیر است ؛

۳- ارزش اقتصادی فرآورده‌های کشاورزی دراین منطقه بدان اندازه نیست که سرمایه گذاری درعملیات حفر چاه‌های عمیق ونیمه عمیق‌را مقرون به صرفه نماید مگر اینکه مثلا عموم زارعین منطقه ده بکری درسرمایه گذاری دوچاه‌عمیق باهم شریک شوند.

گردش‌آب قنوات ویا چگونگی توزیع‌آب قنوات در منطقه بم ونرماشیرقبلا درگزارش‌های‌جغرافیایی نشریه شماره ٤ '* مورد بررسی قرارگرفته است. دراینجا از تکرار مطلب خود داری می‌شود و فقط نگارنده برای خوانندگان محترم تداعی می‌نماید که در مورد توزیع‌آب قنوات در حوضه بم ونرماشیر سه طریق مختلف تمیز داده شد :

۱- موردی که یک قنات یک ده را مشروب کند؛

۲- موردی که دویا چند ده از آب یک قنات برخوردار شوند؛

۳- موردی که یک ده از آب دویا چند قنات استفاده کند.

در منطقه کوهستانی ، مورد اول وسوم از موارد معمول می‌باشند ولی در مورد سوم باید اضافه شود که دهات تماماً دارا ی قنوات منحصر به خود می‌باشند درصورتی که در دشت بم ونرماشیر دهات لزوماً دارای قنوات انحصاری نمی‌باشند وچه بسا که دو یا چند قناتی که یک ده‌را مشروب می کنندبه‌دهات دیگر نیز آب بدهند .

---

۱ - دارستان : آخرین آبادی حاشیه لوت ، نگارش پریدخت فشارکی ، نشریه شماره ٤ ، موسسه جغرافیای‌دانشگاه تهران، آبان ماه ۱۳٤۹ .

عکس شماره ٤ ـ حوضچه یا استخرقنات کهن سیر

محصولات کشاورزی و پراکندگی جغرافیایی آنها :

در حقیقت می‌توان محصولات کشاورزی حوضه بم و نرماشیر را ذیل سه طبقه بندی عمده مورد ملاحظه و بررسی قرار داد :

۱- محصولات زمستانه «شتوی»

۲- محصولات تابستانه «صیفی»[1]*.

۳- باغهای میوه

محصولات زمستانه ، «شتوی » ، نه فقط در ده بکری بلکه در سراسر حوضه بم و نرماشیر مرکب از گندم وجو است و محصولات تابستانه «صیفی» در دهستان دامنه شامل بقولات، ارزن، شلغم، یونجه وسبزیها و در دهستان مرغک عبارت از بقولات، سیب زمینی، طالبی، شلغم، پیاز و یونجه است. شتوی (گندم وجو) در حوضه بم و نرماشیر نسبت به دو طبقه بندی عمده دیگر محصولات کشاورزی بیشترین وسعت را دارا است (به ویژه در نرماشیر)[2]*. این امر در اکثر موارد در مقیاس دهستان نیز صادق است. دهستان‌هایی که به علل مختلف از این امر استثناء می‌باشند عبارتند از : راین، دامنه، آبگرم و حسین‌آباد که از این میان تنها دهستان دامنه مستقیماً مورد مطالعه ما است . در دهستان راین باغهای میوه (به ویژه پسته) وسیعترین سطح کشاورزی را نسبت به محصولات دیگر زراعی، داراست و از این جهت

---

۱ - در فرهنگ آبادی‌های کشور سایر محصولات زمینی به غیر از گندم وجو به نام « سایر محصولات زراعی » آمده است و شاید علت این وجه تسمیه اهمیت کمتر این محصولات در مقام مقایسه با گندم وجو « شتوی » باشد .

۲- برای تجسم بهتر محصولات کشاورزی و پراکندگی جغرافیایی آنها در منطقه ده‌بکری ضرورت یافته است که از مناطق دیگر حوضه در مقام مقایسه با منطقه مورد مطالعه سخن رانده شود . ناگزیر معدودی از مطالب مندرج در مطلب اول این مجموعه: « پراکندگی جغرافیایی محصولات کشاورزی در واحه‌های بم و نرماشیر » در صفحات ۳۱ - ۲۹ ده‌بکری تداعی شده‌اند .

از سایر دهستانها مستثنی است. درسه دهستان دیگر غلات یا نسبت به باغهای میوه ویا نسبت به «سایر محصولات زراعی» سطح کوچکتری را اشغال می کند و شاید علت این امر ناهمواری منطقه است که باعث شده به کشت غلات اهمیت کمتری داده شود. همچنین صیفی تقریباً همه‌جا (به استثنای حسین‌آباد- مرکز عمده کشت سیب‌زمینی وپیاز- دراین دهستان» «سایر محصولات زراعی» وسعتی به‌مراتب بیشتر از باغهای میوه وهمچنین شتوی داراست) نسبت به گندم وجو و باغهای میوه وسعت کمی‌را داراست(به‌ویژه در حومه بم). درواقع می‌توان گفت که آبیاری محصولات تابستانه، به علت نیازمندی بیشتری که به‌آب دارند خاصه ظرف سالهای خشک امری دشوار است. طبقه «سایر محصولات‌زراعی » در منطقه کوهستانی واقع در جنوب غربی وغرب بم یعنی مناطق ده بکری وراین از سایر نواحی حوضه بم ونرماشیر متنوع تر است و در دشت بم ونرماشیر تنوع کمتری دارد. علت آن است که نرماشیر عمده‌ترین منطقه زراعی حوضه است که درآن کشت وزرع بیشتر حالت تخصصی وتجاری‌دارد، درحالی که منطقه کوهستانی‌از نظر زراعی حائز اهمیت کمتری است. در منطقه ده بکری علی‌رغم تنوع فوق‌العاده «سایر محصولات زراعی» این محصولات ارزش اقتصادی به‌مراتب کمتری نسبت به «سایر محصولات زراعی» دشت بم ونرماشیر دارند. این محصولات به استثنای سیب‌زمینی‌تماماً درمحل مصرف می‌شود واضافه محصولی برای فروش باقی‌نمی‌ماند. درعوض درمیان «سایر محصولات زراعی» معدودتر دشت بم ونرماشیر حنا،وسمه وپنبه از جمله محصولاتی هستند که برای‌فروش به خارج از منطقه ارسال می گردند.

تقریباً در سراسر حوضه باغهای میوه وسعتی به مراتب کوچکتر از غلات و بزرگتر از «سایر محصولات زراعی»را دربر می گیرند. باغهای میوه در واحه‌های بم ونرماشیر، مجموعه فوق‌العاده متنوعی‌را بدست می‌دهد ولی این تنوع همانند مورد «سایر محصولات زراعی»وبه‌همان دلیل در مناطق ده بکری وراین به حداعلی و در دشت بم ونرماشیر به حداقل خود می‌رسد.

تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین نوع محصولات دشت بم ونرماشیر و منطقه کوهستانی ده بکری وجود دارد. از بم به‌طرف غرب، منطقه خواجه عسکر(۱۰ کیلومتری بم) مرز جغرافیایی دقیقی است که در غرب آن دیگر محصولاتی چون خرما، پرتغال، حنا و وسمه که در جلگه گرم بم ونرماشیر قابل رویش است به‌چشم نمی‌خورد. همچنانکه از بم فاصله گرفته به طرف غرب وجنوب غربی (منطقه ده بکری) پیش می‌رویم ملاحظه می کنیم که :

اولا وسعت زمین های کشاورزی به علت طبیعت ناهموار وموانع کوهستانی منطقه کوچکتر و کوچکتر می‌شود؛

ثانیاً در نوع محصولات باغی تفاوت قابل ملاحظه‌ای پدید می‌آید و محصولاتی چون زردآلو، سیب (سیب ایرانی گلاب وسیب لبنانی) ،گلابی، هلو، پسته در پای کوهها وگردو، انگورونظایر آن به‌علت اقلیم سردتر منطقه جایگزین محصولات گرمسیری می‌شوند. در عوض‌صیفی منطقه مرکب‌از: سیب‌زمینی، پیاز، ارزن، سبزیها ((خیار وگوجه فرنگی) وگل‌آفتاب گردان (معمولا در حاشیه مزارع صیفی یا در داخل مزارع سیب زمینی کشت می کنند) نه در بروات ونه‌درنرماشیر پرورش نمی‌یابد. درختان پسته بیشتر در مناطق راین وتهرود وابارق روییده و در ده‌بکری اهمیت‌به‌مراتب کمتری دارند. علت این امر : اولا آب وهوای سرد ده بکری است که مانع رشد موفقیت‌آمیز درختان پسته می‌شود؛ ثانیاً خاك و آب شورتر راین وتهرود وابارق نسبت به منطقه ده بکری که بیشتر جهت کشت پسته مناسب است؛ وثالثاً خاك های شنی وماسه‌ای‌تر منطقه ده بکری که به کار کشت این محصول نمی‌آید. به‌این‌ترتیب درختان پسته بسیار معدودی در مناطق‌آبگرم ودامنه‌به‌چشم می‌خورد (درهریک از این دومنطقه تنها یک ده دارای درختان پسته است). تابلوی زیرسطح زیرکشت انواع بهره برداری‌های کشاورزی رابه تفکیک دهستان در منطقه ده بکری نشان می‌دهد.

سطح زیر کشت انواع بهره‌برداری‌های کشاورزی[1] *

انواع بهره‌برداری‌های کشاورزی	دهستان مرغک (به‌هکتار)	دهستان دامنه (به‌هکتار)
گندم آبی	۲۶۳/۴	۱۵۱/۸
گندم دیم	۳	—
جمع کل کشت گندم	۲۶۶/۴	۱۵۱/۸
جو آبی	۵	۳۰
جو دیم	—	—
جمع کل کشت جو	۵	۳۰
جمع کل کشت گندم و جو	۲۷۱/۴	۱۸۱/۸
سایر محصولات زراعی	۱۹	۹۴
جمع کل کشت زمینی	۳۶۲/۴	۲۰۰/۸
باغ و قلمستان	۱۹۸	۱۴۸
جمع کل زمین های زیر کشت	۳۹۸/۸	۵۱۰/۴
آیش	۲۵۴	۱۰۸/۶
مرتع طبیعی	۳۶۱۲	۵۰۰
جنگل	۳۷۶	۲۸۸۸
اراضی بایر قابل دایرشدن	۴۷۶	۵۴۵
اراضی بایرغیر قابل دایر شدن	۲۸	۲۵۵

---

۱ - استخراج از فرهنگ آبادی‌های کشور ؛ جلدبیستم استان کرمان ، از انتشارات مرکز آمار ایران ، براساس نتایج سرشماری عمومی آبانماه ۱۳۴۵ ، چاپ‌اول تیرماه ۱۳۴۹ .

منابع معیشت :

در مناطق بروات ونرماشیر کشاورزی فعالیت اقتصادی عمده واصلی محسوب شده ودامداری بمنزله فعالیت مکمل معمول می‌باشد[1]* درحالی که درمنطقه کوهستانی، برعکس، دامداری فعالیت اقتصادی عمده مردم‌را تشکیل می‌دهد وکشاورزی به‌صورت فعالیت اقتصادی مکمل انجام می‌شود. درآمدهای حاصل از کشاورزی دراین منطقه به‌مراتب کمتر از دامداری است. دام‌های منطقه اکثراً مرکب از بز، گاومیش، تعداد کمی گاو وطیور است. این حیوانات ییلاق وقشلاق ندارند وفقط در فاصله‌ای به شعاع حداکثر ۱۰ کیلو متر جابجا می‌شوند. تعداد حیواناتی که به‌هر خانواده کشاورز یا مالک متعلق است مختلف می‌باشد ولی به طور متوسط به ۲ الی ۲۰ بز وگاومیش، یک الی دوگاو یاهیچ و ۵ تا ۱۰ مرغ و خروس بالغ می‌شود. طیور غالباً به بیماری دچار می‌شوند واین خصوصیتی است که در سراسر حوضه بم ونرماشیر ملاحظه می‌شود. یک قسمت از جمعیت ده‌بکری غیر مستقر است. به این ترتیب که از اواخر تابستان به‌بعد اکثر مالکان روستاهای خودرا ترك نموده به بم وجیرفت می‌روند ودرآنجا دست به فعالیت‌های مختلف می‌زنند. این مالکان در اواخر بهار به دهات خود برمی‌گردند وتا اواخر تابستان درآنجا می‌مانند وآنگاه مجدداً به بم وجیرفت می‌روند وهرساله این‌عمل‌را تکرار می‌کنند. جمعیت مستقر منطقه ده بکری مرکب از زارعان[2]* ومالکان کوچک است. دراینجا لازم است فرق بین مسافرت‌های فصلی زارعین بروات (۳۰ کیلو-متری شرق بم) ومسافرت‌های مالکین ده بکری‌را متذکر باشیم. مسافرت مالکین جنبه لوکس وتجملی‌را دارد. طبیعی است که دراینجا مالکین ترجیح می‌دهند که

---

۱ ـ به مقاله‌دارستان : آخرین آبادی حاشیه لوت مراجعه کنید.

۲ ـ تعریفی ازکلمه «زارع» در این منطقه در قسمت مربوط به مسأله مالکیت واصلاحات ارضی خواهد گردید.

درطی فصل سرد زمستان دردهات خود نمانده وبه جای دیگر بروند. این مالکین نه فقط می‌توانند طی فصل مذکور زندگی راحت‌تر ومطبوع تری‌را درشهرهای بم وجیرفت بگذرانند بلکه همچنین پول ودرآمد بیشتری بدست‌آورند. برعکس مسافرت فصلی ساکنان منطقه بروات اجباراًوجهت رفع نیازمندیهای اقتصادی انجام می گیرد. اینها درجستجوی کار به نواحی بندرعباس، کرمان وجیرفت می‌روند وبه کارعملگی می‌پردازند و هر دوسه ماه یکبار پس ازآنکه ذخیره‌ای اندوختندبه ده خود مراجعت نموده و دوسه ماهی درآنجا می‌مانند وهمینکه پول‌های اندوخته‌را خرج کردند مجدداً به دنبال کار به نواحی مزبور می‌روند . فعالیت ساکنان مستقر منطقه ده‌بکری در ظرف زمستان خیلی محدود است. درنواحی کوهستانی گندم درمهرماه کشت می‌شود وتا ماه فروردین آبیاری نمی‌شود ودر تیرماه درو می گردد. تمام کشت‌های تابستانه که حدود اول فروردین کاشته می‌شود در حدود اواخر مهرماه برداشت می‌شود. به این ترتیب از تاریخ اخیر تا اول فروردین هیچ فعالیتی در منطقه ملاحظه نمی‌شود. درمناطق پسته خیز تنها فعالیت زمستانه مراقبت ومواظبت از درختان وکود دادن وآماده کردن زمین است. درایام برفی دیگر درختان پسته آبیاری نمی‌شوند وخارج از این ایام یکماه یکبارآبیاری می‌شوند. در دهات اربابی (راین) که زمین های مزروعی به وسیله کارگر کشاورزی کشت می‌شود کارگران درفصل زمستان از باغها مراغبت ومواظبت نموده وبه شخم زدن وآماده کردن زمین می‌پردازند. همچنین گاهی اوقات زارعین در زمستان زمین‌را برای کشت سیب زمینی‌آماده می‌سازند. کارهای دستی منطقه که بدست زنان صورت می گیرد محدود و منحصر می‌شود به‌نخ پیچی از پشم گوسفند و بافت چادرشب(به عکس های شماره ٥و٦ مراجعه شود).

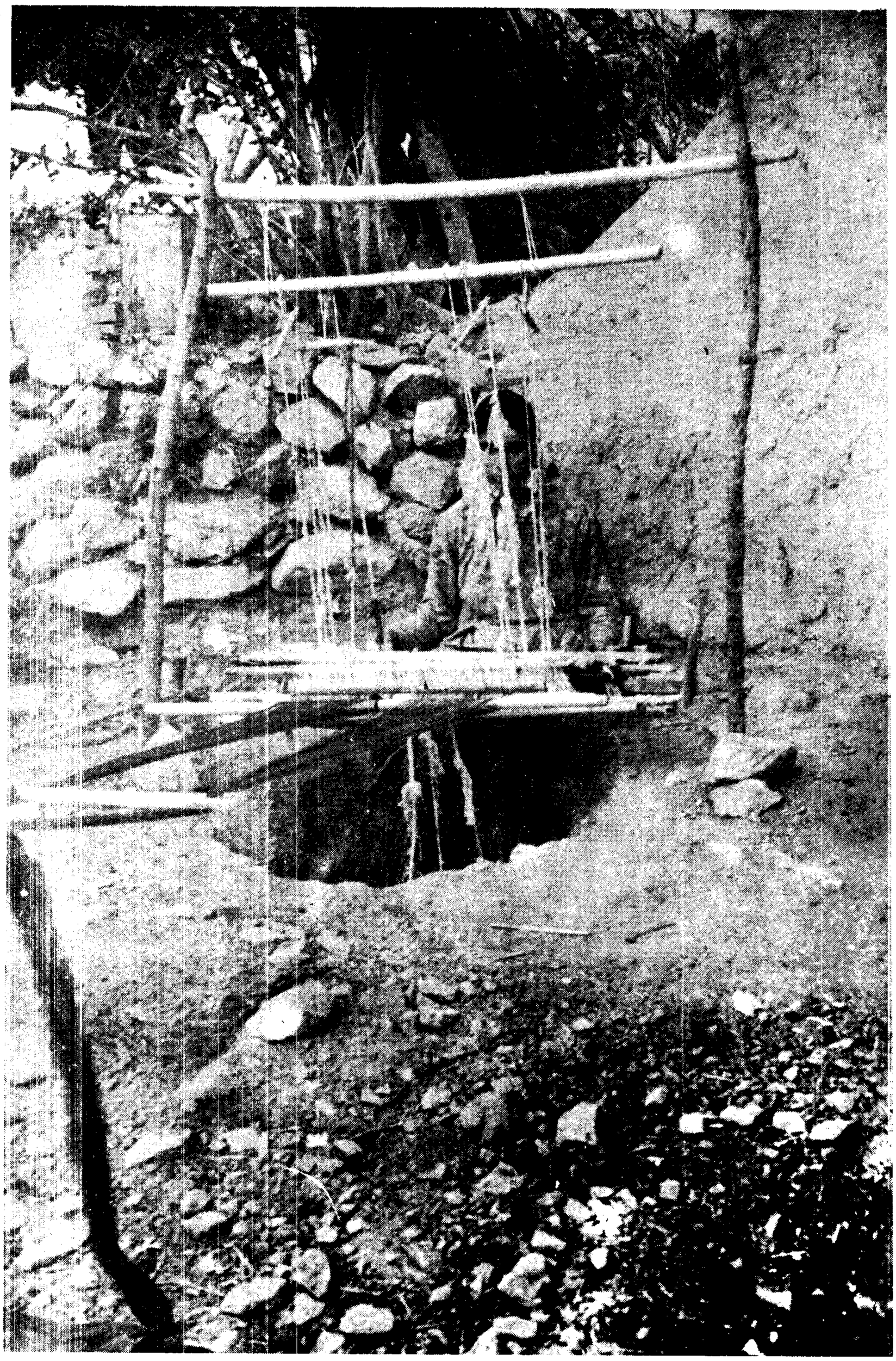

عکس شماره ۵ ــ دستگاه بافت چادرشب ــ باغ‌خوش (باغ‌خشک) ، ده بکری

عکس شماره ٦ ــ دستگاه نخ پیچی ازیشم کوسفند ــ باغ خوش، ده بکری

مسأله مالکیت و اصلاحات ارضی:

در این منطقه روش خرده مالکی همواره غلبه داشته و علت این امر طبیعت کوهستانی منطقه‌است. درحقیقت وسعت کم زمین های مزروعی که خود حاصل وجود موانع کوهستانی است مانع از نمو بزرگ مالکی شده است و بزرگ مالکین خارج از منطقه نیز نفع چندانی درقبضه کردن اراضی این محل جستجو نمی‌نموده‌اند. نتیجه اینکه اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی(تحدید مالکیت) دراین منطقه ضرورت نیافته است مگر در پاره‌ای موارد استثنائی. ولی مرحله دوم اصلاحات‌ارضی (اجاره)به‌مرحله اجرا درآمده و سرانجام به مرحله سوم اصلاحات‌ارضی یعنی مراحل فروش یا تقسیم منتهی شده است. به این ترتیب مالکان کوچکی که‌قبل ازاجرای اصلاحات ارضی شخصاً زمین های خود را کشت می کردند در زمان حاضر همین کار را انجام می‌دهند. زارعین ومالکینی که محصولات کشاورزی رابراساس $\frac{1}{3}$ و $\frac{2}{3}$ بین خود تقسیم می‌نمودند هنوزهم همین‌روش‌را ادامه می‌دهند منتهی بااین تفاوت که سابقاً زارعین به روی‌آب و زمین مالک کار می کردند وخود مالک آب وزمین نبودند، درحالی که امروزه به نسبت $\frac{1}{3}$ درمقابل $\frac{2}{3}$ سهم مالک دراین‌آب وزمین سهیم وشریک شده‌اند. همچنین مواردی وجود دارد که یازمین های مالکان به زارعان فروخته شده است ویا بین زارعین تقسیم گردیده است. در مورد اخیر یاعمل تقسیم طوری صورت گرفته است که زارع ومالک هریک سهم خودرا کشت می کنند ویا به این‌صورت که زارع علاوه بر زمین‌خود زمین مالک‌را نیز می کارد وبه‌همان نسبت $\frac{1}{3}$ از مالک سهم دریافت می کند.

کلمه «زارع» در منطقه ده بکری مفهوم ویژه‌ای دارد ومنظور از این کلمه سرایدارانی هستند که ظرف فصل زمستان که هیچگونه فعالیت کشاورزی وجود ندارد درمحل می‌مانند و در غیاب مالکان از منطقه نگهداری ومراقبت می کنند. این زارعین در فصول دیگر به کارهای کشاورزی کمک می کنند. در ده بکری

حدود متجاوز از ۵۰ خانواده زارع با مفهوم مذکور در فوق در مقابل ۱۰۰۰ مالک وجوددارد. در سراسر منطقه کوهستانی همچنین باغبانانی وجود دارند که از باغهای میوه درغیاب مالکانی که ظرف فصول زمستان وبهار از دهات خود غایبند نگهداری و مراقبت می‌نمایند. این مالکان به باغبانان مبلغ ثابتی به‌صورت نقد یا جنس ویا ترکیبی از هر دو پرداخت می‌نمایند ومیزان این مبلغ از دهی به ده‌دیگرمتفاوت است.

تطبیق هرقانون، هرچقدر نیز اصولی ومفید باشد، با هر محیط طبیعی یا انسانی در ابتدا با موانع ومشکلات فراوانی مواجه می گردد. عواملی چون مرور زمان، سطح فرهنگ عمومی، کفایت قانون و کاردانی در نحوه اجرای آن است که مثمر ثمر شدن قانون مربوط را باعث شده احترام واعتقاد مردم را برمی‌انگیزد. به‌دنبال‌اجرای مراحل مختلف اصلاحات ارضی در حوضه بم ونرماشیر تعدادی مسائل اجتماعی ـ اقتصادی پدید آمده است که با عامل مرور زمان وحسن جریان امور به‌تدریج مرتفع می گردند. خرده مالکانی که با اجرای‌اصلاحات ارضی‌صاحب آب وزمین شده‌اند سال‌های مدید از نظر اداره وسرمایه تحت‌نظر مالکین بزرگ ویا اربابان خود بوده اند واین امر مانع از این شده است که‌آنها بتوانند به تنهایی با مشکلات خود مواجه شده وبه حل‌آنها بپردازند. نتیجه اینکه غالباً برای انجام مسؤلیت‌هایی که به‌تازگی با آن‌روبروشده‌اند کارآزموده نیستند. فقر، عدم کاردانی، فقدان تکنیک وسرمایه وسازمان وتشکیلات صحیح نزد خرده مالکان جدید عمران وآبادی مناطق‌را به تعویق می‌اندازد وبرای جلوگیری از این امر دوره‌های آموزش روستایی کاملا ضروری به‌نظر می‌رسد.

از جمله مسائلی که متعاقب اجرای اصلاحات ارضی وضع دشوارتری‌یافته مسأله‌آب است. طبیعی است که قنوات احتیاج به تعمیرات گران وپرخرجی که مستلزم سرمایه گذاری عظیم است دارند. مالکان بزرگی که از سهیم شدن زارع درآب وزمین متعلق به‌آنها ناراضی هستند از پرداخت مخارج تعمیر قنات استنکاف

ورزیده جهت‌آبیاری باغهای میوه‌و کشت‌حنای‌خود به حفر چاه‌های عمیق‌می‌پردازند. ولی زارعی که به‌دنبال‌اصلاحات ارضی صاحب آب وزمین شده است چه می‌تواند بکند؟ او نه قادر است مخارج حفر چاه‌را بپردازد ونه می‌تواند به‌تنهایی‌مخارج تعمیر قنات‌را تحمل نماید. شرکت‌های تعاونی‌نیز به‌قدرکافی تقویت نشده‌اند تا بتوانند سرمایه‌ای‌را که سابقاً ارباب جهت زارع خود فراهم می‌ساخته است برای او تأمین نمایند. بعلاوه حفر چاه‌های عمیق ونیمه عمیق مقرون به‌صرفه نیست‌مگر برای باغ و کشت حنا وصیفی درحالی که خرده مالکان اصلاحات ارضی اکثراً تنها مالک«کشت زمینی» می‌باشند؛ این مسائل طبیعتاً از وسعت وبازده زمین‌های کشاورزی کاسته است. مسأله دیگر مربوط به حفر چاه در نزدیکی قنوات ودرنتیجه خشکاندن آب‌آنها است. ولی این مسأله در ده بکری مصداق ندارد زیرا که به علت سختی اراضی حفر چاه ندرتاً موفقیت‌آمیز است. مسائل کلی فوق‌الذکر که مبتلا به سراسر حوضه بم و نرماشیر است اثرات خود را به مقیاس کوچکتری در منطقه ده بکری ظاهر می‌سازد، زیرا که این منطقه دراصل منطقه‌ای خرده مالکی بوده و بنا براین همچنانکه ذکر شد اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی ضرورت نیافته است.

شرکت‌های تعاونی:

منظور از ایجاد شرکت‌های تعاونی تأمین احتیاجات محلی کشاورزان از قبیل بذر،، کودشیمیایی، دفع سموم وآفات زراعی، خریداری تراکتور وتأمین‌آب زراعتی ازراه تعمیر قنوات وحفر چاه‌های عمیق‌ونیمه‌عمیق(خرید موتور چاه عمیق ونیمه عمیق‌در ده بکری مورد ندارد)به کمک وام‌های کشاورزی است. این وام‌ها تحت نظر هیئت مدیره شرکت قابل پرداخت است وقاعدتاً میزان آن باید متناسب با سطح زیرکشتی که هر زارع داراست باشد وبا درنظرگرفتن بنیه مالی او تعیین گردد.

انواع وام‌های کشاورزی : درحقیقت سه نوع وام کشاورزی وجود دارد :

وام‌های فصلی که حداکثر مقدار آن سالیانه از ۲۰,۰۰۰ ریال برای هر عضوتجاوز نمی‌کند وحداقل‌آن سالیانه ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ ریال برای‌هرعضو است. بنا به‌اظهار مسئولین‌شرکت‌های تعاونی حوضه بم، از تابستان ۱۳۵۲ به این‌طرف حداکثر مقدار وام مذکور به ۳۰,۰۰۰ ریال درسال‌رسیده است. این وام‌ها بایستی صرفاً به‌مصرف‌خریداری کود شیمیایی، بذر، گاو وکرایه جفت‌گاو برسد. مدت بازپرداخت این وام‌ها حداکثر یکسال است ولی عملاً کشاورزان ازاین وام‌ها استفاده نمی‌کنند مگر برای ۸ الی ۱۰ماه زیراکه بهره همه‌این وام‌ها ۶٪ برای یکسال است وطبیعی است که اگر مبلغ وام زودتر پرداخت شود بهره‌آن کمتر خواهد بود. اصولا در ابتدا بهره‌را محاسبه نموده وازکل‌وام کسر می‌کنندو باقیمانده را دراختیار وام‌گیرنده قرار می‌دهند. کشاورزان عضو جهت استفاده ازاین وام‌ها به طرز زنجیری یکدیگر را ضمانت می‌نمایند.

نوع دیگر از وام‌های کشاورزی وام‌هایی است که به منظور تأمین آب زراعتی پرداخت می‌شود. این‌وام‌ها به‌مدت دوسال قابل بازپرداخت است ومقدار آن حداکثر ۳۰,۰۰۰ریال برای هرعضو است. دراینجا نکته قابل ملاحظه این است که در سال ۱۳۴۷ حداکثر میزان وام مورد بحث ۱۵,۰۰۰ریال بوده است به‌طوری که کل مبلغ وام فصلی و وام‌مورد بحث از ۳۵,۰۰۰ریال تجاوز نمی‌نموده است. همچنین در موردی که زارع عضو می‌خواسته است به حفر چاه‌های عمیق ونیمه عمیق مبادرت نماید،ازحداکثر وامی که می‌توانسته است برخوردارگردد ۱۰,۰۰۰ ریال بوده که با وام فصلی توأماً میزان آن حداکثر به ۳۰,۰۰۰ ریال بالغ می‌شده است. عضو شرکت تعاونی باید این وام دوم را تحت‌نظر هیئت مدیره محلی تنهابه مصرف تعمیر قنوات برساند. اصولانحوه پرداخت‌به این ترتیب است که کارشناس مخارج تعمیر قنات را تخمین می‌زند و این میزان را بین صاحبان آب این قنات به نسبت سهمی که دارند قسمت می‌کند. میزان بهره این وام مانند

وام‌های فصلی ٦٪ برای یکسال است. زارع مربوط پس از سپری شدن سال‌اول نصف وامی‌را که گرفته است (۳۰,۰۰۰ریال) پرداخت می‌کند وسال بعد نصف دیگررا به‌طوری که ابتدا، قبل از اینکه وام دراختیار زارع عضو قرار داده شود ، به میزان ٦٪ از آن کسر می‌شود وبه این‌صورت زارع بهره سال اول را درابتدا پرداخت می‌نماید. سال بعد زارع نصف وام را می‌پردازد ومجدداً به میزان٦٪ به عنوان بهره وام سال بعد از او کسر می‌گردد.

نوع سوم وام‌هایی است که به منظور خریداری تلمبه جهت چاه‌های‌عمیق و نیمه عمیق پرداخت می‌شود . حداکثر میزان این وام‌ها ۷۰,۰۰۰ ریال برای یک مدت پنجساله است. بهره این وام مجدداً ٦٪ برای مدت یکسال است واعضایی که از این وام برخوردار می‌شوند موظفند هرسال $\frac{1}{5}$ کل مبلغ وام را بازپرداخت نمایند. چون به‌تدریج مخارج موتور چاه افزایش می‌یابد سازمان‌شرکت تعاونی اقساط اول‌رابیشتر مقرر نموده وقسط‌های بعدی‌را سبکتر تعیین می‌نماید واین عمل به صوابدید سازمان وشرکت تعاونی صورت می‌گیرد.

سرمایه شرکت‌های تعاونی : سرمایه شرکت‌های تعاونی به وسیله سهامی که به اعضاء فروخته می‌شود تأمین می‌گردد وارزش هرسهم ۵۰ریال است. هر زارعی می‌تواند به نسبت تعداد سهم‌هایی که خریداری نموده است از وام‌های شرکت‌های تعاونی استفاده کند. به عبارت دیگر مقدار وامی که به‌هر زارع تعلق می‌گیرد متناسب با میزان سرمایه گذاری او درشرکت‌های تعاونی است. درحقیقت هر زارع می‌تواند از مبلغ وامی مساوی با ۵ برابر سرمایه گذاریش درشرکت‌تعاونی بر خوردار گردد . ولی در قبال این اصل کلی همواره موارد استثنائی وجود دارد که ناشی از درنظرگرفتن وسعت زمین زیرکشت، مقدار آب قابل دسترس، سطح نیازمندیها وتصمیم وسیاست هیأت مدیره محلی شرکت‌های تعاونی است. درحقیقت در زمان کنونی برای نگارنده میسر نیست که میزان صحت ودقت در نحوه اداره شرکت‌های تعاونی حوضه بم‌را ارزیابی‌نماید. امید است که این کاررا با صرف وقت

ودقت وموشکافی بیشتر در محل پی گیری نموده وبه انجام برساند .

بنابراصول ومقررات شرکت‌های تعاونی، افرادی می‌توانند به عضویت این شرکت‌ها درآیند که از طریق اصلاحات ارضی صاحب آب وملک شده باشند ، یا اینکه آب وملک متعلق به‌آنها در حدود سهام زارعان مشمول اصلاحات ارضی باشد .

ذیلا پاره‌ای از ارقام عمده مربوط به شرکت‌های تعاونی حوضه بم ونرماشیر که حاصل تحقیقات واطلاعات محلی می‌باشند، درج می گردد :

تعداد شرکت‌های تعاونی در حوضه بم ونرماشیر ٤٢ است(تابستان ١٣٥٢) که از این تعداد ٢٨ شرکت درنرماشیر، ٨ شرکت در اطراف شهر وبقیه در منطقه کوهستانی قرار دارند.

مبلغ کل سرمایه شرکت‌های تعاونی شهرستان در اسفندماه ١٣٥١ معادل ٢٥٫٦١٢٫٠٠٠ ریال بوده است.

مبلغ وام پرداختی درسال مذکور ٧٥٫٧٠٠٫٠٠٠ ریال بوده است که به تفکیک عبارتست از :

وام فصلی	٧٤,٠٠٠,٠٠٠ ریال
وام تعمیر قنات	١,٧٠٠,٠٠٠ ریال

اعتبار دریافتی شهرستان بم از سازمان مرکزی تعاونی ١٠٫٠٠٠٫٠٠٠ ریال بوده است(به عنوان کمکی). درحقیقت بعضی سازمانها وتشکیلات مملکتی مانند شرکت نفت ومحصولات شیمیایی به‌شرکت‌های تعاونی کمک‌های مالی می‌دهند . وام‌هایی که این سازمان‌ها به‌شرکت‌های تعاونی می‌دهند به‌اقساط طویل‌المدة بازپرداخت می‌شود.

میزان ذخیره شرکت‌های تعاونی دراسفندماه ١٣٥١ مبلغ ٧٫١٦٦٫٣٢٠ ریال بوده است.

سرمایه اتحادیه تعاونی که متعلق به تمام این شرکت‌های تعاونی است ۱۶٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال بوده است[1]*.

گذشته از مبلغ ۷۵٫۷۰۰٫۰۰۰ ریال نامبرده دربالا وام دیگری به مبلغ ۳۵٤٫۰۰۰ ریال جهت خریداری تلمبه تحت عنوان وام کمکی نامبرده در بالا درسال ۱۳۵۲ پرداخت شده است. دراینجا نکته قابل ملاحظه اینکه: اولا تعداد کل اعضای شرکت‌های تعاونی فقط ۱۰۷۰۰ نفر است، ثانیاً کل مبلغ وام‌پرداختی ۷۵٫۷۰۰٫۰۰۰+۳۵٤٫۰۰۰ ریال نامبرده در فوق فقط به ۹۰٦٤ نفر پرداخت شده است. بدین صورت که وام فصلی (۷٤٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال) به ۸۰۹۵ نفر، وام تعمیر قنات (۱٫۷۰۰٫۰۰۰ ریال) به ۸۸نفر و وام خریداری پمپ(۳۵٤۰۰۰ ریال) به ۲٦ نفر پرداخت شده است. سئوال جالبی که‌می‌توان دراینجا مطرح کرد این‌است که چرا تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی علی‌رغم‌احتیاجات‌حیاتی‌وفوری زارعین اینقدرکم است. دراین مورد نگارنده چنین تصور می کند که‌زارعان‌به‌خاطر ترسی که از عدم موفقیت در پرداخت‌به‌موقع وام دریافتی دارند، به‌خودشان‌اجازه برخورداری از وام‌های شرکت‌های تعاونی‌را نمی‌دهند. درحقیقت نه مبلغ وام‌های پرداختی و نه مدت آنها جهت تأمین موفقیت زارعین در فعالیت‌های کشاورزی مختلف کافی نیست. از طرفی در صورتی که زارع موفق نشود وام دریافتی را به‌موقع‌بازپرداخت نماید فقیرتر از قبل ازگردونه‌خارج می‌شود.

دکان‌های شرکت‌های تعاونی : در ۳۵ شرکت از ٤۲ شرکت‌تعاونی‌حوضه بم ونرماشیر قسمتی از ساختمان شرکت به فروشگاه اختصاص یافته است که با عرضه اجناسی چون قند، چای، برنج، صابون، گرد رختشویی وغیره نیازمندیهای اولیه اهالی منطقه روستایی مربوط را مرتفع می‌نماید. این‌فروشگاه‌ها با سرمایه اتحادیه شرکت تعاونی شهر بم‌به‌وجود آمده است به این‌منظورکه مردم احتیاجات خودرا ازاین مراکز خریداری نمایند، ضمن اینکه به سرمایه شرکت تعاونی نیز

---

۱ ـ ارقام مربوط به شرکت‌های تعاونی بخش‌راین را دربر نمی‌گیرد.

کمک می‌شود. به‌قراری که‌سرپرست شرکت تعاونی ده بکری مدعی است(تابستان ۱۳۵۲) نرخ اجناس برای عضو وغیر عضو یکی‌است. منتهی‌هرسال، درصورتی که سودی نصیب شرکت تعاونی مربوط شده باشد، این سود را بین اعضای شرکت تعاونی به نسبتی که از شرکت خرید نموده‌اند، تقسیم می کند. درحقیقت هربار که کسی خرید می کندبه‌او فاکتور خرید می‌دهند ونسخه‌ای از این فاکتور را نزد خود نگاه می‌دارند وبدین ترتیب مقدار خریدی که از شرکت تعاونی نموده است روشن می‌شود و هرقدر بیشتر خرید کرده‌باشد، سود بیشتری به او تعلق‌میگیرد. بدین‌وسیله مردم به خرید بیشتر از فروشگاه‌های تعاونی‌تشویق وترغیب می گردند. نگارنده در محل‌از سرپرست شرکت تعاونی ده بکری سئوال کرد که چرا نرخ اجناس موجود در فروشگاه‌را برای اعضای‌شرکت ارزانتر درنظر نمی گیرند زیرا که این خود وسیله‌ای‌است جهت‌تشویق‌افراد به اینکه بیشتر وبیشتر به عضویت‌شرکت‌های تعاونی درآیند. ولی سرپرست مربوط پاسخ داد که این رویه باعث ایجاد بازار سیاه می گردد، به این‌صورت که عضو جنسی‌را از فروشگاه شرکت خریداری می‌نمایدوسپس‌آنرا با قیمت گرانتر به افراد غیر عضو می‌فروشد تابدین‌وسیله سودی برده باشد. پس ارجح آن است که نرخ اجناس برای همه‌یکسان باشد وسپس سود شرکت تعاونی‌به‌ترتیبی که گفته شد بین‌اعضاء تقسیم گردد. همچنین بعداز این امکان دارد با اعطای اعتبار جنسی به اعضای شرکت تعاونی این مشکل مرتفع گردد به این‌ترتیب که‌بهره مختصری (حداکثر ٦٪) به‌مبلغ استفاده شده از اعتبار جنسی اضافه می‌شود وعضو مربوط هنگام استفاده از اعتبار جنسی بهره‌متعلقه را پرداخت می‌نماید[1]*. درواقع درخصوص اظهار فوق نسبت‌به تقسیم‌سود شرکت تعاونی بین اعضاء به نسبت میزان خرید آنها وترجیح این نحوه عمل‌به پیشنهاد نگارنده (درنظرگرفتن نرخ های ارزانتر جهت اعضاء) چنین به‌نظر می‌رسد که در حالت اول اعضاء به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانند سود شرکت تعاونی‌را نظارت ویا بررسی

---

۱ ـ نقل از آقای یزدیان رئیس سازمان تعاون روستاها (تابستان ۱۳۵۲).

نمایند وشاید به‌این دلیل این رویه مورد اجراست. از طرف دیگر باید منصفانه اذعان نمود که به‌هیچوجه معلوم نیست که شرکت‌های تعاونی درپایان سال سودی برده باشند. درحقیقت این اصل را نباید فراموش نماییم که تعداد شرکت‌های تعاونی مغازه‌دار درتمامی حوضه تنها ۳۵شرکت است ودر نتیجه روستائیان مکرر مجبور هستند از دکان‌های کوچک دیگر که بیشتر قابل دسترسی می‌باشند و یا از فروشندگان دوره گرد یاپیله‌وران خرید نمایند. پیله‌وران از اهالی روستاهایی می‌باشند که به بم می‌آیند واحتیاجات ضروری اهالی را خریداری نموده به ده مراجعت می‌کنند واین اجناس را با قیمت‌های گرانتر به اهالی روستا می‌فروشند. درمرکز دهات ده بکری درکنار جاده غیر از درمانگاه ده بکری دکان‌هایی وجود دارند که تقریباً همه‌چیز می‌فروشند وبنا به گفته سرپرست شرکت تعاونی محل، قیمت اجناس دراین دکانها از اجناس شرکت تعاونی گرانتر است ولی گاهی مردم به علت نزدیکتر بودن به این دکانها ترجیح می‌دهند اجناس را گرانتر خریده وجهت رسیدن به فروشگاه شرکت تعاونی راه دورتری را نپیمایند. به این دلیل هم‌اکنون (تابستان ۱۳۵۲) شرکت تعاونی در نظر دارد جای‌دکان شرکت‌را تغییر بدهد وآنرا بیشتر درمرکز جایگزین نماید تا مورد استقبال بیشتر مردم واقع شده ودرنتیجه بودجه شرکت تعاونی بیشتر گردد.

طرح‌های آینده شرکت‌های‌تعاونی : ضمن پی‌گیری تحقیقات محلی مربوط به شرکت‌های تعاونی در محل طی تابستان ۱۳۵۲ نگارنده توانست در جریان طرح‌های آتی شرکت‌های تعاونی حوضه بم ونرماشیر قرارگیرد. این طرح حاکی از این بود که تعداد ٤۲ شرکت‌تعاونی موجود درحوضه بم ونرماشیر به ۱۸ عدد تقلیل یابد ومنظور از این عمل مرکزیت بخشیدن به تعداد اخیر است. بنا به‌اظهار ریاست‌سازمان تعاونی‌روستاها دربم ۲٤ شرکت تعاونی‌دیگر نیزبه‌همین صورت فعلی نگاهداشته می‌شود ودر واقع علت مرکزیت بخشیدن به ۱۸شرکت تعاونی طرح شهرك سازی است که در برنامه پنجساله پنجم منظورشده است. این

شهرك‌ها باید ...ره تا ...ر.۱ نفر جمعیت داشته باشند به این‌صورت که‌ابتدا تشکیلات وتأسیسات‌را برای یک عده ...ره نفری فراهم می‌سازند وسپس آنرا جهت سکونت یک جمعیت ...ر.۱ نفری گسترش می‌دهند. درسال ۱۳۵۲، ۹۰ شهرك دربرنامه پنجم‌به‌تمامی ایران تعلق می‌گرفت که سهم استان کرمان دراین سال فقط ۳ شهرك بود واز این تعداد برای بم سهمی درنظر گرفته نشده بود. ولی درسال ۱۳۵۳ مقررگردید شهرك قاسم‌آباد (یک ده ۳۹۳نفری) واقع در دهستان پشت‌رود در بلوك نرماشیر ساخته شود. درواقع درآینده درمرکز هریک از این ۱۸ شرکت تعاونی شهرکی‌به‌وجود خواهدآمد ودراین‌شهرك‌ها انواع واحدهای مسکونی، دبستان، دبیرستان وغیره مجهز به آب و برق ساخته خواهد شد و افراد از دهات مجاور به این منطقه جذب می‌شوند. به این ترتیب که زمین‌های زراعتی آنها که در دهات بومیشان واقع‌است به‌صورت مزرعه درمی‌آید و زارعان مربوط در ظرف‌روزکارهای زراعتی‌خودرا در این‌مزارع انجام‌می‌دهند وعصرها برای‌استراحت به شهرك مربوط باز می‌گردند. بنا به‌اظهار مسئولین امر این ۱۸ حوزه تعاونی که درمرکز هریک شهرکی‌ساخته خواهد شد برحسب‌محاسبه‌مسافت، جمعیت‌پذیزی در نظرگرفتن روحیه مردم محل و میزان سازش‌آنها با یکدیگر و استعداد شهرك شدن تعیین می‌شوند[1]*.

---

۱ - پروژه‌ای که فوقاتوجیه‌گردید مبتنی بر اطلاعاتی است که نگارنده در تابستان ۱۳۵۲ در محل کسب نموده واینکه آیا این طرح عیناً به‌مرحله اجرا در آمده ویادستخوش تغییراتی شده است برما روشن نیست.

نوع مسکن :

ساکنان ده بکری در زمستان و تابستان در کلبه های گلی زندگی می کنند. قسمت جلوی این کلبه ها کوار نامیده می‌شود وبه خود این کلبه ها سابقاً گنبه می گفته‌اند وهم اکنون اطاق چوبی می گویند. سقف این کلبه ها چوبی و دیوارهای آن سنگی است وباکاه وگل اندود شده است. درقسمت جلوی کلبه(کوار) داربست های چوبی ساخته‌اند که سقف‌آنهارا در تابستان با برگ وبوته های‌شیرین‌بیان می‌پوشانند واین امر به خنکی کلبه کمک می کند. در زمستان از هیزم‌جهت افروختن‌آتش استفاده می کنند(به عکس های مسکن شماره‌های ۷ الی۱۷ توجه کنید) .

تغذیه :

صرف‌نظر از موارد استثنائی کلا گوشت و برنج در تمام ده بکری مصرف ندارد ومواد غذایی‌مرکب‌می‌شوداز کشک، نخود، عدس‌ولوبیا .این‌مواد به‌صورت آب‌پز مورد استفاده قرار می گیرد. نان مورد مصرف‌را خود کشاورزان می‌پزند (پاره‌ای وسایل اولیه منازل درعکس های مربوط به مسکن مشاهده می‌شود) .

روش کشاورزی‌ووسایل آن :

در منطقه ده بکری به علت اراضی نا هموار وسعت زمین های مزروعی ناچیز است .در حدود نصف زمین های مزروعی درآیش مانده ونصف دیگر به کشت اختصاص می‌یابد به‌طوریکه هریک از قطعات زمین مختص به کشت‌شتوی‌وصیفی دوسال یکبار زیرکشت می‌رود وگاهی از اوقات جای کشت‌های شتوی وصیفی با یکدیگر عوض می‌شود. همچنین گاهی انواع صیفی در باغها کشت می‌شود چنانکه نگارنده درمشاهدات منطقه‌ای ناظر این مورد دردهات بیدخون مرغک،

باغ خشک(یا باغ خوش)[1]*وکهن‌سیر[2]* بوده‌است . ولی‌شتوی همیشه جداگانه کشت می‌گردد . درنواحی کوهستانی شتوی وصیفی در روی یک قطعه زمین کشت می‌شود مگر در مورد کشتی که ضرورت یابد زمینی خاص جهت‌آن آماده گردد. درجاهای دیگر واقع در منطقه مورد مطالعه نگارنده (حوضه‌بم ونرماشیر) به‌موارد زیادی برخورد می‌کنیم که شتوی و صیفی در روی همان قطعه زمین کشت می‌شود وعلت این امر حداکثر صرفه جویی در عوامل کشاورزی (آب، خاك، کود وسایر عوامل)است. ولی این مورد درهیچ جای دیگر به اندازه منطقه کوهستانی معمول ومتداول نیست زیراکه در سایر نواحی افزایش‌زمین‌های کشاورزی (به استثنای منطقه بروات، درپنج کیلومتری شهر) ودر منطقه کوهستانی کمبود آن مطرح است .

در منطقه ده بکری، به‌سبب کوچکی اراضی‌مزروعی، کشاورزی مکانیزه مقرون به‌صرفه نیست وتمام کار شخم‌به وسیله جفت گاو صورت‌می گیرد درصورتی که در منطقه راین به‌ویژه در امتداد دره‌ها قسمتی‌از عمل شخم‌به کمک تراکتوروقسمتی به کمک جفت گاو انجام می‌پذیرد. البته در دهات اربابی فقط تراکتور مورد استفاده قرار می‌گیرد ومالکان تراکتورهای خودرا به دهات مجاور کرایه‌می‌دهند. کودهای شیمیایی‌وحیوانی هردو به کار می‌روند منتهی کودشیمیایی بیشتر در دهات آبادتر ودهات اربابی مصرف دارد درحالی که کود حیوانی‌در دهاتی که بنیه مالی واقتصادی ضعیف‌تری دارند وبه ویژه درمورد کشت‌یونجه مورد استفاده قرارمی گیرد .

---

۱ ـ علت اینکه اسامی باغ خشک و باغ خوش هر دو به یک ده اطلاق می‌شود این‌است که در زمان‌های‌گذشته به علت پر آبی‌وصفائی که‌این ده داشته به آن باغ‌خوش می‌گفته‌اند وهم‌اکنون به علت خشکی وکم آبی به آن باغ خشک می‌گویند .

۲ ـ کهن به معنی قنات وسیر در اینجا به مفهوم پر آبی‌به کار رفته است‌وبنابراین کهن سیر به معنی قنات پرآب می‌باشد . در موارد بسیاری اساسی روستائی مفاهیم جغرافیایی بیشماری را روشن می‌نمایند .

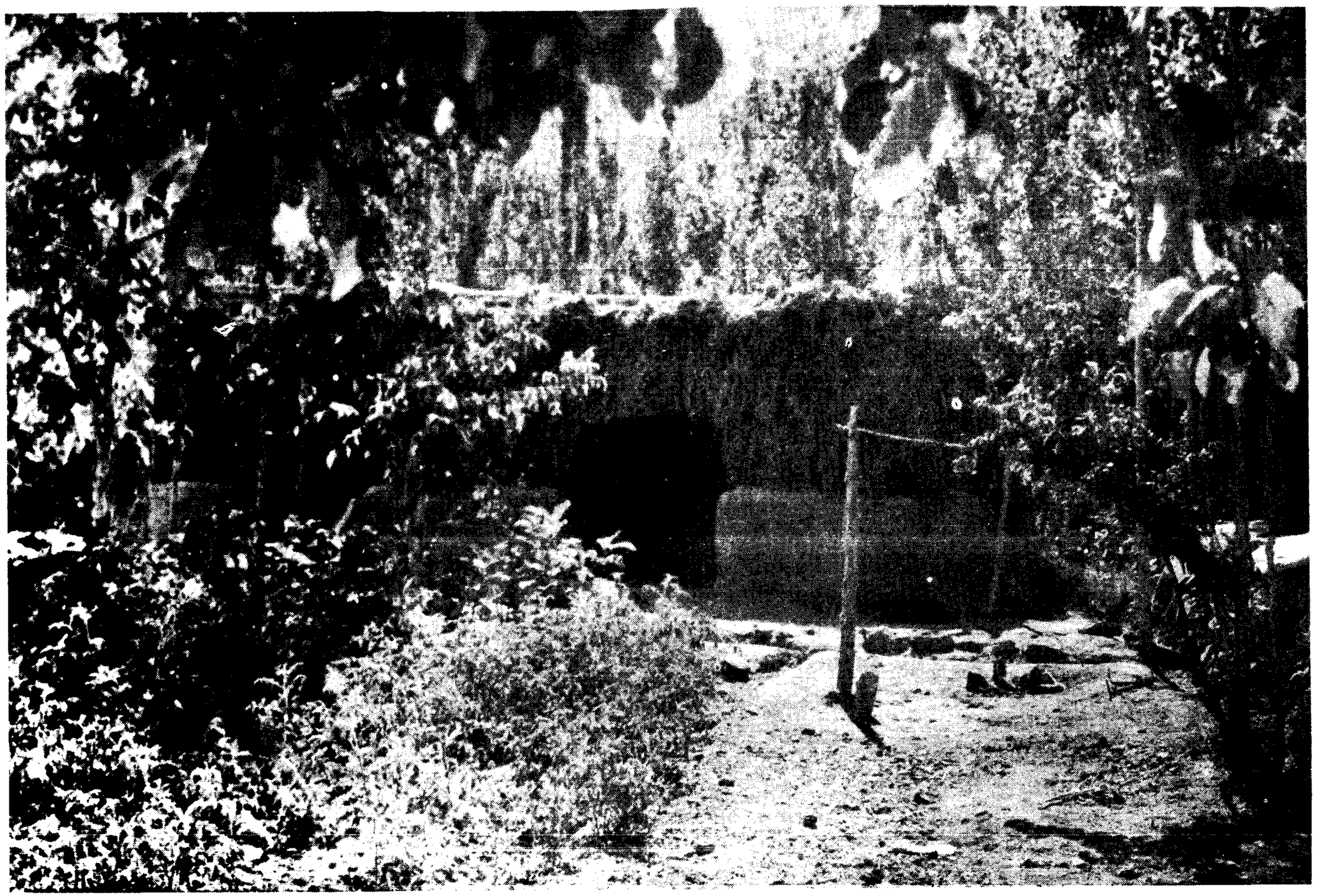

عکس شماره ۷ــ نمونه‌ای از کوار ــ ده باغ، ده بکری

عکس شماره ۸ــ نمونه‌ای ازکوارومنظری ازدهبید ون ــ دهبکری

عکس شماره ۹ ــ نمونه‌ای دیگر از کوارــ ده بیدون

عکس شماره ۱۰ ــ منظری دیگر از دره بیدون ــ دره بکری

عکس شماره ۱۱ ــ اندرون یک کوارــ ده بیدون ، ده بکری

عکس شماره ۱۲ ــ اندرون‌کوار، محل نگاهداری حیوانات ــ ده بیدون

عکس شماره ۱۳ ـ منظره دیگر از داخل کوار ـ ده بید ون ، ۰۰ه بکری

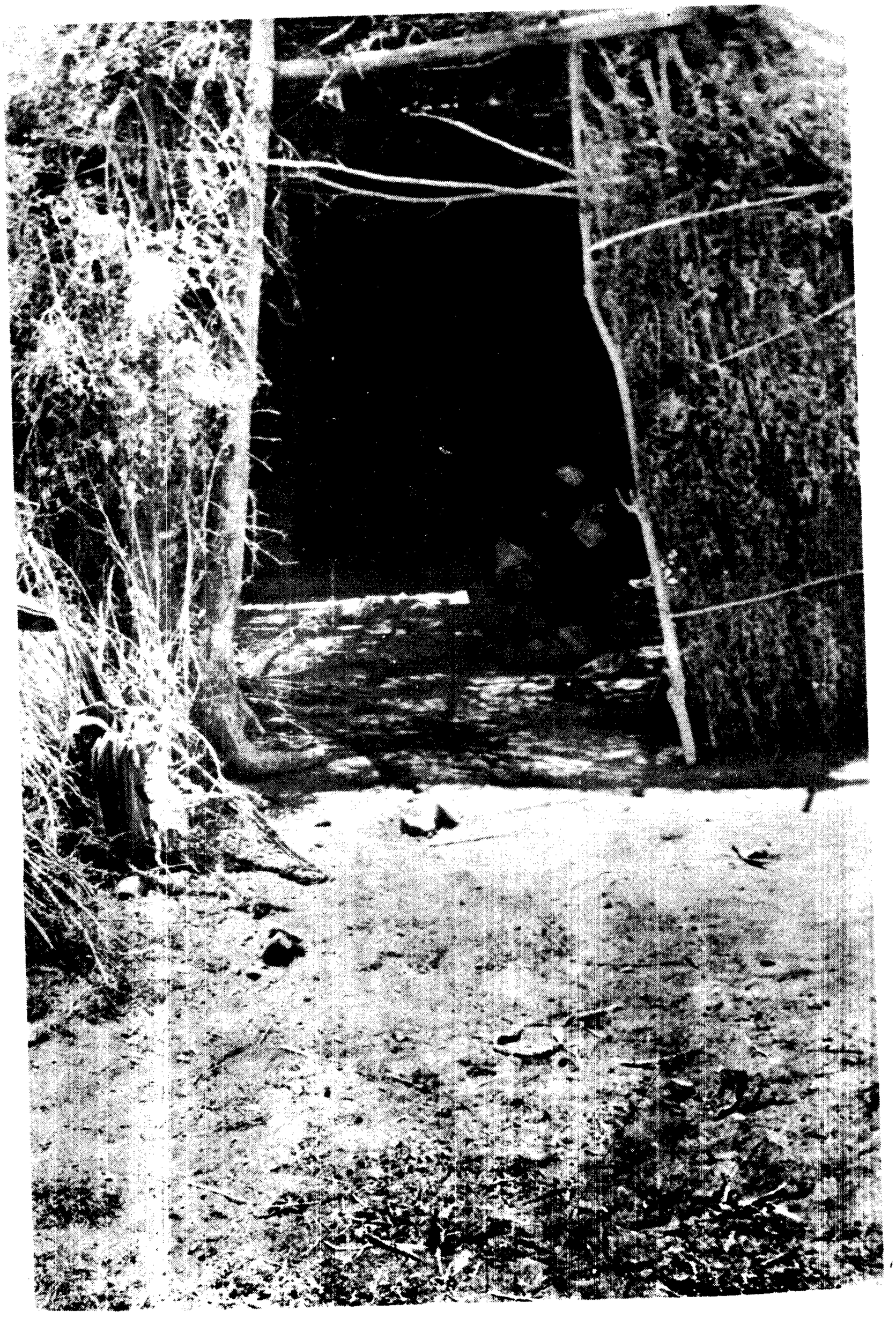

عکس شماره ۱٤ ــ منظره دیگر از دره کوار ــ دهبیدون ، دهبکری

عکس شماره ۱۵ ــ محل پخت ویزووسایل مربوط در داخل کوار ــ دهبید ون، دهبکری

عکس شماره ۱۶ ــ نمونه‌ای از کوارود رختان میوه ــ ده گله‌بید ون، ده‌بکری

عکس شماره ۱۷ ــ اصطبل حیوانات ــ ده گله بیدون، ده بکری

بازارفروش محصولات کشاورزی :

محصولات کشاورزی تماماً در محل مصرف می‌شود وبا وجوداین رفع نیازمندیهای منطقه را نمی‌نماید . میوه به استثنای پسته معمولا به دهات مجاور فروخته می‌شود . محصولاتی که جهت فروش به‌خارج از منطقه ارسال می‌شود عبارتند از : پسته، گردو، سیب زمینی وپیاز. این محصولات معمولا به کرمان، بم وراین‌فرستاده می‌شود . معمولا خریداران به دهات‌آمده این محصولات را خریداری می کنند و خودشان آنرا به بازار فروش می‌رسانند . البته این امر بر قیمت محصول اثرمی گذارد ومتضمن ضرر برای زارع محلی(فروشنده)است که شخصاً محصول‌را به بازارنمی‌رساند . ولی درمورد استثنائی دهات اربابی این مالک است که خود محصولات عمده‌ای چون پسته‌را به کرمان ویا چغندر قند(در راین کشت‌می‌شود)را به بردسیرومراکز مختلف فروش می‌رساند .